

سنجش ظرفیت نهادی تحقق شهر هوشمند در کلانشهر اهواز

محمدعلی فیروزی: استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.
احمد پوراحمد: استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
مهیار سجادیان*: دانشجوی دکتری گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

چکیده

هدف از این مطالعه، ارزیابی وضعیت فعلی ظرفیت نهادی برای تحقق شهر هوشمند در کلانشهر اهواز و رتبه‌بندی شاخص‌های آن بوده است. این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و به جهت روش انجام، توصیفی-تحلیلی است که در سنجش وضعیت مؤلفه‌ها، از نظر کارشناسان شاغل اجرایی در نهادها و سازمان‌های درگیر در فرآیند هوشمند شدن شهر استفاده گردیده است. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه الکترونیکی محقق ساخته مبتنی بر طیف پنج درجه‌ای لیکرت می‌باشد؛ که در جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون‌های آماری میانگین، t تک نمونه‌ای و رتبه‌بندی فریدمن با استفاده از نرم‌افزار SPSS بهره گرفته شده است. نمونه آماری این پژوهش، ۳۸۰ نمونه است که با روش نمونه‌گیری گلوله برفی و شبکه‌ای نظارت شده انتخاب گردیدند. بر اساس یافته‌های تحقیق، وضعیت ظرفیت نهادی تحقق شهر هوشمند در کلانشهر اهواز، مناسب نبوده و از این میان مؤلفه‌های پیرامونی و حکمروایی هوشمند در مقایسه با سایر مؤلفه‌ها، در وضعیت نازل تری قرار دارند. در انتها نیز بر اساس یافته‌های تحقیق، راهکارهایی در دو دسته راهکارهای کلی و راهکارها در راستای مؤلفه‌ها پیشنهاد گردید

واژگان کلیدی: اهواز، شهر هوشمند ظرفیت نهادی، فناوری اطلاعات و ارتباطات، نهاد.

Assessing the institutional capacity for the perform of a smart city in the metropolis of Ahvaz

Abstract

The aim of this study was to assess the current status of the institutional capacity for the realization of a smart city in the metropolis of Ahvaz and to rank its indicators. The research is applied in terms of purpose and descriptive-analytical in terms of method, which in assessing the status of components, the views of executive experts in institutions and organizations involved in the process of smartening the city has been used. The data collection tool is a researcher-made electronic questionnaire based on a five-point Likert scale; In order to analyze the data, mean statistical tests, one-sample t-test and Friedman ranking were used using SPSS software. The statistical sample of this study is 380 samples that were selected by snowball sampling and supervised network. According to the research findings, the status of the institutional capacity for the realization of a smart city in the metropolis of Ahvaz is not appropriate, and among these, the peripheral components and smart governance are in a lower situation compared to other components. Also, based on the research findings, solutions in two categories of general solutions and solutions in the direction of components were proposed.

Keywords: Ahvaz, Smart City Institutional Capacity, Information and Communication Technology, Institution

مقدمه

در حدود ۲۲۰ سال پیش، تنها ۳ درصد از جمعیت جهان در شهرها زندگی می‌کردند. این جمعیت در سال ۱۹۰۰ میلادی به ۱۰ درصد؛ و در ۲۰۱۹ به ۵۴ درصد رسیده است و پیش‌بینی مراکز رسمی بین‌المللی نشان می‌دهد که در سال ۲۰۳۰ این مقدار از ۶۰ درصد و در سال ۲۰۵۰ از ۷۲ درصد عبور خواهد نمود (UN-Habitat, 2019:315-328, Bhagya Nahati Silva, Ki-jum, 2018:698, UN-Habitat, 2015:10).

این تمرکز بیش از حد در مناطق شهری، باعث کمبود مسکن، کمبود تأسیسات و تجهیزات زیرساختی، وخامت روزافزون ارتباطات و ترافیک شهری، افزایش اجاره‌ها، فقر، حاشیه‌نشینی، آلودگی‌های زیست‌محیطی و بسیاری معضلات و مشکلات دیگر شده است (مهدی زاده، ۱۳۹۸، ص ۳۸).

در این راستا، امروزه، شهرهای هوشمند به‌عنوان راه‌حلی ایده‌آل و به‌مثابه آرمانشهری جدید که بر روی راه‌حل‌های پایدار و کارآمد برای مدیریت انرژی، حمل‌ونقل، مراقبت‌های بهداشتی و بسیاری موارد تأثیرگذار تمرکز خاصی دارد، مطرح شده است که قادر به بهبود مزیت رقابتی شهرها، افزایش پایداری و قابلیت زندگی شهروندان می‌باشد (Bhagya Nahati Silva, Ki-jum, 2018:698). بنابراین، مدیریت شهر هوشمند دارای اهدافی است که عبارتند از: کاهش آلودگی‌های محیطی، دستیابی به بهره‌وری، توسعه رقابت منطقه‌ای و جهانی، استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات در زندگی شهری، ایجاد فرصت‌های کسب‌وکاری جدید، افزایش کیفیت زندگی و آسایش و آرامش، توسعه فضای سبز شهری، توسعه زیرساخت‌های اطلاعاتی، رشد توسعه اقتصادی، دسترسی به جوامع پایدار و تکامل شهرها و رسیدن به توسعه‌یافتگی (اسفندیاری و موسی‌خانی، ۱۴۰۰، ص ۱۰۷-۱۰۸).

در این چهارچوب، یکی از مهم‌ترین این شرایط، در راستای اعمال مدیریت در شهرهای هوشمند، فراهم نمودن عوامل نهادی است. عوامل نهادی، عوامل افزایش‌دهنده انگیزه‌ای برای سرمایه‌گذاری و تولید هستند. از طرف دیگر ثبات اقتصادی، امنیت، شفافیت اقتصادی و اداری، حفظ حریم مالکیت افراد و... بر افزایش بهره‌وری مؤثر و بر توسعه اقتصادی و برابری اجتماعی بسیار تأثیرگذار هستند (واحد تحقیق و توسعه سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری اصفهان، ۱۳۹۶، ص ۳۸).

نهادگرایی، تلاشی به منظور غنی‌تر ساختن درک از برنامه‌ریزی شهری است. بر اساس چنین نگرشی،

برنامه‌ریزی شهری، صرفاً یک فعالیت فنی نیست، بلکه فعالیتی در زمینه طراحی نهادی است. اهمیت چنین اقدامی به‌ویژه از این نظر است که برنامه‌ریزی شهری در هر حال در چارچوب قدرت نهادهای دولتی و خصوصی عمل می‌کند. از این‌رو، هر نوع تحولی در فعالیت برنامه‌ریزی شهری، ناگزیر از در نظر گرفتن بعد نهادی آن به‌مثابه بخشی از یک فرآیند گسترده‌تر انواع شیوه‌های حکمروایی در جامعه است (شورچه، ۱۳۹۳، ص ۲۱۴).

کلانشهر اهواز، مرکز استان خوزستان و بزرگ‌ترین شهر جنوب غربی کشور ایران نیز که در طول سالیان اخیر، با افزایش شهرنشینی فراوانی مواجه بوده است؛ مشکلات عدیده‌ای را دارد. این مشکلات آن‌چنان جدی است که در پژوهش ملی آینده‌پژوهی ایران (۱۳۹۷) و نیز گزارش مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری (۱۳۹۶)، آلودگی هوا و ریزگردها، آب، محیط‌زیست، پسماند، فاضلاب و نیز حکمروایی، به‌عنوان چالش‌هایی عمده برای این کلانشهر در نظر گرفته شده است.

لذا، چندی است که با احساس نیاز، زمزمه‌های حرکت به سوی شهر هوشمند و ابراز تمایل تبدیل اهواز به شهری هوشمند آغاز شده است و در این راستا، قرارداد بین شهرداری اهواز، استانداری خوزستان و شرکت ایرانسل، در چارچوب ۱۸ قرارداد، به منظور توسعه زیرساخت‌های ارتباطی شهر هوشمند کلانشهر اهواز از مهم‌ترین این حرکت‌های اجرایی است. اما مسئله این است که علیرغم این قراردادهای اجرایی فنی که به مسائلی چون تاکسی‌های اینترنتی «یوکب» و «تریپسین»، پیاده‌سازی و ارایه کیف پول همراه و غیره - که البته در جایگاه خود مهم هستند - می‌پردازند، اصولاً به شرایط بنیادین پیاده‌سازی شهر هوشمند، به‌ویژه به ظرفیت نهادی موجود، در کلانشهر اهواز پرداخته نشده است. شاهد آن که تاکنون هیچ پژوهش به‌صورت مستقل به سنجش ظرفیت نهادی تحقق شهر هوشمند در کلانشهر اهواز نپرداخته است.

پیشینه پژوهش

تعاریف و تعابیر بسیار متنوعی در خصوص شهرهای هوشمند ارایه شده است. در یکی از پرکاربردترین آن‌ها، شهر هوشمند به‌عنوان شهری تعریف می‌گردد که شهروندان را درگیر می‌کند (اخوان و همکاران، ۳۱:۱۳۹۸)؛ و از فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی در جهت هوشمندتر کردن، تعاملی کردن و بهینه کردن زیرساخت‌ها و خدمات کلیدی شهر مانند مدیریت شهری، آموزش، سلامت، امنیت عمومی، شهرسازی، حمل‌ونقل و تأسیسات شهری

استفاده می‌کند (فرجود و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۹).

اصطلاح «نهاد»، مفهومی فازی است؛ چرا که اقتصاددانان، جامعه‌شناسان، انسان‌شناسان، دانشمندان علوم سیاسی و سایر حوزه‌های متفاوت علوم اجتماعی این مفهوم را در ارتباط با حوزه کاری خود تعریف می‌کنند (Goldsmith, 1993:196).

«دورکهم»، جامعه‌شناسی را علم مطالعهٔ نهادهای اجتماعی می‌داند (Durkheim, 1982). برای او نهاد پدیده‌ای است که از به هم پیوستن فعالیت‌های انسانی شکل گرفته و از مجموعه نمادهای شناختی و اخلاقی که کنش را در قالب الگوهایی فراتر از رفتار فردی ثابت می‌کنند تشکیل شده است؛ بنابراین، او نهادها را پدیدار شونده می‌داند که در چرخهٔ زندگی گروه‌های انسانی شکل می‌گیرند. یک‌بار که به وجود آمدند تبدیل به منابعی می‌شوند که نسبت به فرد جنبه پیرامونی داشته و موجب تنظیم رفتارهای انسانی و ثبات بخشیدن به ساختار اجتماعی می‌شوند (Meyer, Rowan, 2006:34).

«داگلاس نورث»، نهادها را به‌عنوان قواعد بازی تعریف کرده است. نهادها قوانین بازی در جامعه‌اند، یا به عبارتی سنجیده‌تر، قیودی هستند وضع شده از جانب نوع بشر که روابط متقابل انسان‌ها با یکدیگر را شکل می‌دهند. نهادها با در اختیار نهادن ساختارهایی برای زندگی روزمره، عدم اطمینان را کاهش می‌دهند. نهادها از طریق تأثیر گذاردن بر هزینه‌های مبادله و تولید، عملکرد اقتصادها را تحت تأثیر قرار می‌دهند. نهادها و دانش فنی به کار گرفته شده، توأمان هزینه‌های معاملاتی و هزینه‌های تبدیل (تولید) یعنی هزینه‌های کل را تعیین می‌کنند (نورث، ۱۳۸۵، ص ۲۱-۲۳).

فراتر از وجوه مشترک در تعاریف نهاد، تمایزات بین این تعاریف سبب شده تا بتوان سه دیدگاه متفاوت از نهاد را در نهادگرایی از یکدیگر مشخص کرد (جدول شماره ۱):

جدول ۱: سه دیدگاه عمدهٔ متمایز از نهاد از دیدگاه این پژوهش

نام دیدگاه	ویژگی
بسیاری از تاریخ‌نگاران و نظریه‌پردازان اقتصادی	نهاد را به‌عنوان قواعد بازی نگریده‌اند. بر اساس این دیدگاه، نهادها از نظر تحلیلی «بیرونی» و از نظر تجربی محدودیت‌های قابل مشاهده‌ای هستند که انتخاب‌های فردی را محدود می‌کنند.
چهارچوبی مکمل	درونی بودن و وابستگی نهادها را به اعتقادات فردی مشترک و خود تحکیم‌بخش برجسته می‌نماید. این نوع تعارف که در علوم اقتصادی و سیاسی متداول است نهادها را نهایتاً «درونی» در نظر گرفته و بر منشأ اجتماعی آن‌ها تأکید می‌نماید.
جامعه‌شناسان	جامعه‌شناسان ماهیت مسلم پنداشته شده نهادها و فرآیند برون‌فکنی‌ای را که سبب می‌شود الگوهای ثابت رفتاربخشی از واقعیت عینی شود، برجسته می‌نماید. مهم‌ترین مشخصه قابل ذکر این رویکرد، رد نمودن تمرکز صرف بر افراد به‌عنوان بخش اولیه تحلیل و تأکید بر ماهیت ثابت و معلولی رفتار نهادینه شده است.

منبع: (محکی، ۱۳۷۷، ص ۲۱-۲۳)

به‌طور کلی با توجه به تعریف فازی که از نهادها از زاویه نگرش‌های رشته‌های مختلف ارایه شده است. لذا می‌توان طبقه‌بندی کلی زیر را از نهادها ارایه داد.

جدول شماره ۲: طبقه‌بندی نهادها از دیدگاه این پژوهش

معیار طبقه‌بندی	نوع نهادها
درجه رسمی بودن	- نهادهای رسمی - نهادهای غیررسمی
سطوح سلسله مراتبی	- سطح ۱: مرتبط با ساختار اجتماعی جامعه - سطح ۲: نهادهای مرتبط با قواعد بازی - سطح ۳: نهادهای مرتبط با اصل بازی - سطح ۴: نهادهای مرتبط با مکانیسم‌های تخصیص
عرصه تحلیل	- نهادهای اقتصادی - نهادهای سیاسی - نهادهای قانونی - نهادهای اجتماعی
ابعاد فضایی / جغرافیایی	- جهانی - منطقه بین‌المللی - ملی - منطقه‌ای - محلی

منبع: (فرجی راد و کاظمیان، ۱۳۹۱، ص ۲۶)

در این راستا، ظرفیت نهادی یکی از مفاهیم نوین و اصلی و بلکه اصلی‌ترین مفهوم رویکرد نهادی است که در حال حاضر تبدیل به یکی از سیاست‌های اصلی در زمینه توسعه محلی و منطقه‌ای شده است. اهمیت ظرفیت نهادی به گونه‌ای است که نویسندگان متعددی اکنون توسعه محلی و منطقه‌ای و به‌ویژه توسعه پایدار محلی و منطقه‌ای را وابسته به وجود ظرفیت‌ها و توانایی‌های نهادی موجود در سطح محلی و منطقه‌ای می‌دانند (فرجی راد و کاظمیان، ۱۳۹۱، ص ۱۰۳). در جدول زیر، چکیده‌ای از مهم‌ترین دیدگاه‌ها و نظریه‌های مختلف از ظرفیت نهادی از دیدگاه این پژوهش ارائه شده است.

جدول ۳: چکیده‌ای از مهم‌ترین نظریه‌ها و دیدگاه‌ها از ظرفیت نهادی از دیدگاه این پژوهش

نام نظریه پرداز	چکیده نظریه
هادسون	ظرفیت نهادی صرفاً به معنی تعداد و تراکم نهادها در درون یک منطقه نیست، بلکه بر قوت و توانایی، کیفیت و چگونگی تعاملات آن‌ها با هم نیز اشاره دارد.
استین	ظرفیت نهادی را در چارچوب «ماتریس نهادی» می‌داند. در این چارچوب، عناصر ظرفیت نهادی عبارتند از: مقررات، سازمان‌ها، مشوق‌ها، ظرفیت‌ها
سگنستام و بانک جهانی	ظرفیت نهادی به صورت گسترده به توانمندسازی، سرمایه اجتماعی و توانمندکردن محیط زیست و همچنین فرهنگ، ارزش‌ها و روابط فرهنگی که بر زندگی انسان‌ها تأثیر می‌گذارد، اشاره دارد.
هلی	ظرفیت نهادی می‌تواند بر اساس سه عنصر یعنی منابع دانش، منابع ارتباطی و توانایی برای بسیج کردن درک شود.
ایوانس و همکاران	دو نوع از سرمایه اجتماعی (مشخصه جامعه مدنی) و سرمایه نهادی (مشخصه حکومت) است و روابط و سطح تأثیرگذاری این دو در مجموع پیامدهای سیاست توسعه‌ای را تعیین می‌کنند. در این نظریه، تأکید فراوانی بر اهمیت نقش حکومت‌های محلی است.
گیس و همکاران	شبکه‌سازی و وجود محیط‌های همکاری و اقدامات شراکتی به عنوان مشخصه‌های نهادی یک مکان و یا منطقه ایفای نقش می‌کنند.
هنری و پینچ	علاوه بر عوامل سخت‌افزاری، عوامل اجتماعی و فرهنگی نیز در قانون موفقیت قرار دارند. لذا هر شهری دارای یک ظرفیت نهادی است که در این نظریه از آن به «ضخامت نهادی» تعبیر می‌شود که می‌تواند ضخیم (قوی) و یا نازک (ضعیف) باشد. مؤلفه‌های اثرگذار بر این ضخامت عبارتند از: حضور نهادهای قوی، سطوح بالای تعامل در میان شبکه نهادی در سطح محلی، ساختارهای حکمروایی و الگوهای ائتلاف و نیز آگاهی متقابل از تعهد جمعی در میان نهادها و شریکان
براون	ظرفیت‌سازی نهادی در سه حوزه توسعه منابع انسانی، توسعه و تقویت ساختارهای درون‌سازمانی و روابط بین سازمانی و اصلاح و بهبود بسترهای قانونی و مقرراتی و ابزارهای سیاستی برای توانمند ساختن سازمان‌ها و نهادها صورت گرفته است.
ساویتچ	ظرفیت نهادی را در محتوای حکمروایی می‌بیند
کمیسیون اروپا	ظرفیت نهادی را در قالب ظرفیت سازمانی و بخش عمومی دیده و آن را به عنوان راه‌حل مناسبی برای بهبود عملکرد بخش عمومی می‌داند.
ویلیامز و بومرت	رویکردی را به ظرفیت نهادی ارائه نموده است که سه سطح خرد همانند افراد؛ سطح میانه همانند سازمان‌ها و سطح کلان همانند ساختارها که خود شامل سه سطح شبکه سازمان‌ها، حکمروایی عمومی و جامعه (هنجارها، ارزش‌ها و شیوه‌های عمل) را در برمی‌گیرد.
کاظمیان و همکاران	ظرفیت نهادی ترکیبی از توانایی نهادها (سرمایه انسانی، برخورداری از منابع، هدفمند بودن، نظام مشوق‌ها، روابط درون نهادی، انعطاف‌پذیری)، یکپارچه بودن نهادها (روابط درون نهادی، توان جمعی نهادها)، دانش نهادها (دانش رسمی، دانش بومی)، یادگیری نهادها (یادگیری تعاملی، یادگیری تجربی، یادگیری پیوسته) و ترتیبات قانونی مناسب (خوانا بودن، بستر قانونی) می‌باشد.

منبع: (کاظمیان و همکاران، Bro, 2001:1173-1174, Henry, Pinch, 2001:11, Savitch, 1999, Willems, Baumert, 2003:11, Healey, 1998:1537-1542, Hudson, 2004:10, European, Stein, 2008:140-143, Segnestam, world Bank, 2003, wn, 2008:223 (Commission, 2005, Enans et al, 2005:3-5, Gibbs et al, 2001:103-107)

اما در ارتباط با شهرهای هوشمند، سامویلا و همکاران (۲۰۱۹)، معیارهای پشتیبانی نهادی از شهر هوشمند را مردم محوری، نوآوری، برنامه‌ریزی بلندمدت، تبادل اطلاعات، مصرف انرژی بهینه، تغییر رفتاری، موافقت با سیاست سبز و ارزیابی و نظارت مطرح نمودند.

همچنین منظور نام و پارادو از عبارت «عوامل نهادی»، مجموعه‌ای از اقدامات برای تشکیل حکمروایی هوشمند است؛ آن‌ها اقدامات هوشمند زیر را تعریف می‌کنند: همکاری، هماهنگی کار کردن، مشارکت، درگیر بودن شهروندان و شراکت (دامری، ۱۳۹۷، ص ۶۴).

از دیدگاه آلبرت (۲۰۰۶)، شهر هوشمند دارای چهار عنصر اصلی یعنی: مردم/کاربران، زیرساخت‌های فنی، چهارچوب نهادی و برنامه‌های کاربردی است. از دیدگاه وی، چهارچوب نهادی، شامل مکانیسم‌های حل مشکلات و توافق بر چگونگی مدیریت زیرساخت‌ها است. در نظر وی، مکانیسم‌های سازمانی و نهادی با هدف تولید دانش و همکاری‌های اجتماعی است که بسترهای لازم جهت تولید فن‌آوری، نوآوری‌ها و ارتقای آموخته‌ها را فراهم می‌نماید. این نهادها، مکانیسم‌های سرمایه اجتماعی و هوش جمعی را از طریق هدایت قابلیت‌ها، مهارت‌های فردی و فرآیندهای پیچیده نوآوری در درون خوشه‌های شهری نوآورانه تولید شده، مدیریت می‌نماید (Albert, 2006).

مایهر و اسموکوینا (۲۰۰۶)، به نقل از حاتمی‌نژاد و همکاران، تبدیل شدن شهرها به شهرهای هوشمند را مستلزم تعاملات عوامل فناوری با نهادهای سیاسی، سازمانی و انتقالی (موقت) می‌دانند. نهادهای سیاسی نشان‌دهنده ارکان سیاسی درونی (شورای شهر، استاندار، شهردار)، هماهنگی شده با ارکان سیاسی پیرامونی می‌باشد. مؤلفه‌های سازمانی پیش‌نیاز هستند. آمادگی سازمانی مانند از بین بردن موانع قانونی و نظارتی مهم است. مؤلفه‌های انتقالی (موقت) شامل سند چشم‌انداز، رهبری و... می‌باشد (حاتمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۱۶۲).

کومینینوس (۲۰۰۶)، به نقل از لیگالیت و رابرتا (۲۰۱۴)، اعتقاد دارد که شهرهای هوشمند، سرزمین‌هایی با قابلیت بالای یادگیری و نوآوری‌ها هستند که ارتباطات تنگاتنگی با خلاقیت مردم، نهادها و مؤسسات تولید دانش و همچنین زیرساخت‌های دیجیتالی برای مدیریت ارتباطات و دانش دارند. وی در سال ۲۰۱۱، ایده «هوش فضایی» را مطرح می‌سازد که اشاره به توانایی جامعه در استفاده از سرمایه‌های فکری، نهادها و زیرساخت‌های مادی برای مقابله با طیف وسیعی از مشکلات و چالش‌های شهر دارد (Liugailite-Radzvickene, Rober-).

(ta, 2014).

دامری، بر تعاملات و ارتباطات تأکید دارد. از دیدگاه وی، عوامل نهادی، به ذینفعان متعدد شهر هوشمند قدرت می‌دهد تا از تعاملات و ارتباطات در میان همه کنشگران حمایت کنند (دامری، ۱۳۹۷، ص ۶۴).

از نظر تاوو و پارادو (۲۰۱۱)، عوامل کلیدی شهرهای هوشمند: فناوری، انسان و نهادها هستند. آن‌ها دریافتند که فناوری، به‌عنوان ابزاری برای نوآوری؛ نهادها، ابزار مدیریت نوآوری و سیاست برای ایجاد یک محیط توانمند و در نهایت شرایط پیرامونی از مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر هوشمندسازی شهرها می‌باشند (Taewoo, Pardo, 2011).

چورابی و همکاران (۲۰۱۲)، هفت عامل مدیریت و سازمان، فناوری، حکمروایی، سیاست، مردم و جوامع، اقتصاد، زیرساخت‌ها و محیط طبیعی را در یک چارچوب یکپارچه، مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر شهرهای هوشمند معرفی نموده، ضمن این که عامل فناوری را به‌عنوان یک فرا عامل که سایر عوامل را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد مطرح نمودند (Chourabi et al, 2012).

همچنین نوع دیدگاه سه بازیگر اصلی شهر به عوامل نهادی نیز شایسته توجه است. دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی اصطلاح «حکمروایی هوشمند» را به کار می‌برند که نقش برجسته‌ای را که حکومت در پیاده‌سازی یک شهر هوشمند موفق ایفا می‌کند را مشخص کنند؛ که از آن جمله می‌توان به کاراگلیو و همکاران (۲۰۰۹)، گفینگر (۲۰۰۷) و اودندال (۲۰۰۳) اشاره نمود. در این راستا، شرکت‌های خصوصی راه‌حل ترکیبی بین رویکرد بالا به پائین و پائین به بالا را مطرح می‌سازند و بدنه‌های دولتی محدودیت‌های مالی و منابع را طرح می‌نمایند (دامری، ۱۳۹۷: ۶۴).

در ارتباط با ظرفیت نهادی پژوهش‌های مختلفی از دیدگاه‌ها و رشته‌های علمی مختلف انجام یافته است که از آن جمله، در ارتباط با موضوع این پژوهش می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- اسکات در ۲۰۰۸، در مقاله خود با عنوان «نهادها و سازمان‌ها، ایده‌ها، علایق و هویت‌ها» به‌طوری به بحث نهادها و ارتباط آن با هویت پذیری شهر پرداختند.
- هاجدوک (۲۰۱۶)، در مقاله خود با نام «مفهوم شهر هوشمند در مدیریت شهری» به این نتیجه رسید که یکی از مهم‌ترین عوامل در موفقیت شهرهای هوشمند، داشتن نهادهای مناسب است.
- وان ویندین و همکاران (۲۰۱۶)، در مقاله تحت عنوان «سازماندهی پروژه‌های شهر هوشمند: درس‌هایی از آمستردام»، آموزه‌هایی که از هوشمندسازی شهر

آمستردام در چارچوب پروژه‌های انجام یافته، به دست آمده است را ارائه داده است. در این پژوهش نیز بر ظرفیت نهادی تأکید می‌گردد.

- راون و همکاران (۲۰۱۹)، در مقاله تحت نام «آزمایشات شهری و تمهیدات نهادی»، تنظیمات و هماهنگی نهادهای درگیر در هوشمندسازی شهرهای آمستردام، هامبورگ و نینگبو را مقایسه نمودند.

- سامویلا و همکاران (۲۰۱۹) نیز، در مقاله خود تحت نام «پشتیبانی نهادی از یک شهر هوشمند» به هدف سنجش شرایط پشتیبانی نهادی برای دیجیتالی کردن یک محیط شهری به تحقیق پرداختند.

- بروکاردو و همکاران (۲۰۱۹)، در چارچوب حکمروایی شهر هوشمند، به هدف کاوش در همکاری چندین بازیگر به تحقیق پرداختند. در این پژوهش به این نتیجه رسیدند که همکاری در ساختن یک شهر در مرحله طراحی و اجرا بسیار مهم است، در حالی که چالش‌های جدیدی ایجاد می‌گردد، باید با ادغام کارهای سیاسی، فنی و به‌ویژه فرهنگی کنشگران درگیر برطرف گردد.

- استین و بویرن (۲۰۱۷)، راون و همکاران (۲۰۱۷)، داوس و پارادو (۲۰۰۲) و وایسمیت و همکاران (۲۰۱۸) نیز هر یک از دیدگاهی به بحث نهادها در شهر هوشمند پرداخته‌اند.

- اما در ایران، مولایی و همکاران (۱۳۹۵)، در مقاله خود تحت نام «تبیین و واکای چگونگی هوشمندسازی شهرها در بستر مؤلفه‌ها و عوامل کلیدی اثرگذار»، بر پایه جمع‌بندی دیدگاه‌های صاحب‌نظران این عرصه، مؤلفه‌های کلیدی هوشمندسازی شهرها را در سه دسته مؤلفه‌های کلیدی (مردم، عوامل نهادی و زیرساختی) دسته‌بندی نموده و سه عامل هوش، یکپارچگی و نوآوری را به‌عنوان پیش‌شرط‌های اساسی جهت ایجاد جوامع هوشمند در نظر گرفته شده‌اند.

- هادی بیگلو و همکاران (۱۳۹۷)، در مقاله‌ای با عنوان «تبیین تحقق‌پذیری حکمروایی خوب شهری با تأکید بر هوشمندسازی مکان: مورد کاوی شهر تهران»، به شیوه‌ای توصیفی-تحلیلی و با رویکردهای کیفی و کمی به این نتیجه رسیدند که وضعیت حکمروایی از نظر متخصصان و خبرگان، مطلوب نیست و دیدگاه غالب آن است که هوشمندسازی کلانشهر تهران به تحقق حکمروایی مطلوب شهری خواهد انجامید.

- روستایی و همکاران (۱۳۹۷)، در مقاله تحت عنوان «تئوری شهر هوشمند و ارزیابی مؤلفه‌های

زیرساختی آن در مدیریت شهری موردشناسی: شهرداری تبریز»، با بهره‌گیری از ۱۰ نفر خبره و با استفاده از مدل تحلیل سلسله مراتبی (AHP) انجام پذیرفت. نتایج بر اهمیت ۳ دسته از عوامل ترکیبی در ایجاد شهر هوشمند شامل مدیریت و سیاست (عوامل نهادی)، منابع انسانی و سرمایه اجتماعی (عوامل انسانی) و فناوری اطلاعات و ارتباطات (عوامل فناوری) تأکید گردید.

- جبارزاده و همکاران (۱۳۹۹)، در مقاله‌ای، با عنوان «شناسایی و تحلیل موانع نهادی شهر هوشمند (مورد مطالعه: شهر تبریز)»، از طریق بررسی اسنادی و نیز مصاحبه با خبرگان، ۳۷ مانع نهادی را در ۵ گروه شناسایی نمودند که با بهره‌گیری از فرآیند تحلیل شبکه‌ای فازی، رتبه‌بندی گردیدند. در نهایت به این نتیجه رسیدند که برای تبدیل شهر تبریز به یک شهر هوشمند باید موانع شناسایی شده؛ شامل موانع مدیریتی-ساختاری، حقوقی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی را ضعیف نمود؛ و در نهایت از بین برد.

- در ارتباط با ظرفیت نهادی به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین بنیادهای تحقق شهر هوشمند در کلانشهر اهواز، تاکنون پژوهش انجام نیافته و در دسترس نیست.

سؤالها و مدل مفهومی تحقیق

این پژوهش به سبب اهمیت موضوع در راستای پاسخگویی به دو سؤال زیر و به هدف سنجش ظرفیت نهادی و نیز رتبه‌بندی معیارهای تحقق شهر هوشمند در شرایط کنونی کلانشهر اهواز، به تحقیق پرداخت.

- وضعیت کلانشهر اهواز در مجموع به لحاظ ظرفیت نهادی تحقق شهر هوشمند چگونه است؟
- وضعیت معیارهای ظرفیت نهادی تحقق شهر هوشمند در شرایط کنونی کلانشهر اهواز، نسبت به یکدیگر چگونه است؟

لذا در این راستا؛ و با توجه به نظریه‌ها و دیدگاه‌های مطرح شده، این پژوهش در جهت سنجش ظرفیت نهادی تحقق شهر هوشمند در کلانشهر اهواز، در چارچوب مدل مفهومی پژوهش، ۵ مؤلفه فراعامل فناوری اطلاعات و ارتباطات، حکمروایی هوشمند شهری، توانایی نهادی، توان کنشگران سازمانی و عوامل پیرامونی و ۲۹ معیار بهره‌گیری نمود.

همچنین، در جدول شماره ۴، مؤلفه‌ها و شاخص‌های مورد سنجش ظرفیت نهادی تحقق شهر هوشمند در کلانشهر اهواز آورده شده است.



شکل ۱: مدل مفهومی تحقیق

جدول ۴: مؤلفه‌ها و شاخص‌های مورد سنجش ظرفیت نهادی تحقیق شهر هوشمند در کلانشهر اهواز

مؤلفه	کد	معیار	مؤلفه	کد	معیار
توانایی نهادی	Q ₁	سرمایه انسانی	حکروایی هوشمند شهری	Q ₁₆	مشارکت در تصمیم‌گیری
	Q ₂	منابع در نهادها		Q ₁₇	شفافیت در مدیریت
	Q ₃	مدیریت دانش		Q ₁₈	فراهم بودن بستر قانونی
	Q ₄	یادگیری		Q ₁₉	خدمات عمومی
	Q ₅	هماهنگی نظام برنامه‌ریزی شهری با تحولات ناشی از ICT	Q ₂₀	شهرداری	
	Q ₆	مدیریت یکپارچه	Q ₂₁	دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها	
	Q ₇	میزان آمادگی الکترونیکی	Q ₂₂	شرکت‌های دانش‌بنیان و استارت آپ	
	Q ₈	سطح پذیرش ICT	Q ₂₃	خدمات پیشرفته پشتیبان تولید	
	Q ₉	استفاده از ICT در تعدیل شرایط محیطی (گرمای شدید هوا)	Q ₂₄	پارک‌های علم و فناوری	
	Q ₁₀	استفاده از ICT در جهت حل آلودگی‌های محیطی	Q ₂₅	زیرساخت ICT	
	Q ₁₁	استفاده از ICT در جهت حفاظت از محیط‌زیست	Q ₂₆	مدیریت ICT	
	Q ₁₂	استفاده از ICT در جهت مدیریت منابع پایدار	Q ₂₇	دسترسی به اینترنت	
	Q ₁₃	استفاده از ICT در تجارت	Q ₂₈	مصمم بودن دولت	
	Q ₁₄	استفاده از ICT در کارآفرینی	Q ₂₉	مصمم بودن نهادهای نفتی	
	Q ₁₅	جذب استعدادهای نو در تجارت الکترونیکی			

منبع: نویسندگان با استفاده از مطالعات نظری

روش‌شناسی

این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و به جهت روش انجام، توصیفی-تحلیلی است. به منظور گردآوری داده‌های توصیفی از مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی استفاده گردید و برای گردآوری داده‌های تحلیلی از روش پیمایشی و ابزار پرسش‌نامه استفاده شده است. در این مقاله، مهم‌ترین مؤلفه‌های ظرفیت نهادی تحقق شهر هوشمند در کلانشهر اهواز مورد ارزیابی قرار گرفته است.

ابزار گردآوری داده‌ها در بخش پیمایش، پرسش‌نامه الکترونیکی محقق ساخته می‌باشد که بر اساس طیف پنج درجه‌ای لیکرت از گزینه‌ی خیلی کم با امتیاز ۱ تا گزینه‌ی خیلی زیاد با امتیاز ۵ تنظیم گردید که تحت شبکه اینترنت در اختیار پاسخ‌دهندگان قرار گرفت.

روایی محتوایی نهایی پرسش‌نامه با نظر اساتید درنهایت، بعد از اصلاحاتی تأیید گردید و ضریب آلفای کرونباخ ۰.۸۰ درصد برای کل پرسش‌نامه، نشان از مطلوبیت و قابل قبول بودن پایایی پرسش‌نامه داشت.

جامعه آماری پژوهش، متشکل از کارشناسانی است که در نهادهای مدیریت و برنامه‌ریزی و اجرا در ارتباط با شهر اهواز در این کلانشهر مشغول به فعالیت هستند. روش نمونه‌برداری، تلفیقی از روش‌های نمونه‌گیری گلوله برفی خوشه‌ای و شبکه‌ای نظارت شده بوده است؛ که درنهایت ۳۸۰ پرسش‌نامه دریافت گردید؛ لذا تعداد نمونه این پژوهش ۳۸۰ مورد از کارشناسان اجرایی اداره‌ها، نهادها، سازمان‌ها، شرکت‌ها در کلانشهر اهواز می‌باشد.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از نرم‌افزار SPSS و روش‌های آماری میانگین پاسخ‌ها و آزمون آماری t تک نمونه‌ای استفاده گردید؛ ضمن آن که برای رتبه‌بندی شاخص‌ها و مؤلفه‌های شهر هوشمند، از آزمون رتبه‌بندی فریدمن نیز استفاده گردید.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

بر مبنای یافته‌های تحقیق، از مجموع ۳۸۰ نفر نمونه آماری تحقیق، ۲۸/۹۵ درصد زن و ۷۱/۰۵ درصد زن بوده که بیشترین تعداد در بازه سنی ۴۵ تا ۶۰ سال و دارای مدرک کارشناسی ارشد بوده‌اند.

جدول ۵: ویژگی‌های جمعیت شناختی نمونه آماری پژوهش

متغیر	ابعاد	فراوانی	درصد	جمع فراوانی
جنس	زن	۱۱۰	۲۸/۹۵	۳۸۰
	مرد	۲۷۰	۷۱،۰۵	
سن	کمتر از ۴۴ سال	۵	۱/۳۲	۳۸۰
	مابین ۴۵ تا ۶۰ سال	۳۰۰	۷۸/۹۴	
	بیش از ۶۰ سال	۷۵	۱۹/۷۴	
سطح تحصیلات	دیپلم	۵	۱/۳۲	۳۸۰
	کاردانی	۳۰	۷/۹	
	کارشناسی	۱۰۵	۲۷/۶۲	
	کارشناسی ارشد	۱۹۵	۵۱/۳۲	
	دکتری	۴۵	۱۱/۸۴	

بر مبنای یافته‌های تحقیق، همان‌گونه که در جدول زیر مشاهده می‌گردد؛ از میان مؤلفه‌های پنج گانه ظرفیت نهادی تحقق شهر هوشمند؛ مؤلفه‌های فراعامل فناوری اطلاعات و ارتباطات و بعد توان کنشگران سازمانی و سپس توانایی نهادی، از سطح میانگین کل مؤلفه‌ها بالاتر می‌باشد. البته میانگین کل، خود نیز از میانگین مقیاس لیکرت کمتر می‌باشد و وضعیت مناسبی ندارد. در انتهای این لیست نیز مؤلفه حکمروایی هوشمند و بعد نهادهای پیرامونی در نازل‌ترین وضعیت قرار دارند.

جدول ۶: وضعیت مؤلفه‌ها و معیارهای ظرفیت نهادی در جهت تحقق شهر هوشمند در کلانشهر اهواز

میانگین کل	میانگین مؤلفه	میانگین شاخص	کد	مؤلفه‌ها	میانگین مؤلفه	میانگین شاخص	کد	مؤلفه‌ها	
۲/۱۳	۱/۹۲	۲/۲۹	Q ₁₈	حکروایی هوشمند	۲/۱۶	۲/۵۳	Q ₁	توانایی نهادی	
		۱/۹۶	Q ₁₉			۲/۶۸	Q ₂		
	۲/۲۸		۲/۱۳	Q ₂₀	توان کنشگران سازمانی		۲/۴۱		Q ₃
			۲/۷۲	Q ₂₁			۲/۵۴		Q ₄
			۲/۵۹	Q ₂₂			۲/۱۳		Q ₅
			۲/۱۴	Q ₂₃			۲/۰۷		Q ₆
			۱/۸۳	Q ₂₄			۲/۳۲		Q ₇
			۲/۳۳	۲/۰۵			Q ₂₅		فراعامل فناوری
	۲/۰۱	Q ₂₆	۱/۸۴	Q ₉					
		۲/۹۳	Q ₂₇	۱/۶۸	Q ₁₀				
	۱/۹۵	۱/۹۶	Q ₂₈	نهادهای پیرامونی		۱/۶۸	Q ₁₁		
			۱/۹۵			Q ₂₉	۱/۹۹		Q ₁₂
							۲/۱۳		Q ₁₃
							۱/۹۵		Q ₁₄
							۱/۹۵		Q ₁₅
							۱/۸۶		Q ₁₆
							۱/۵۹		Q ₁₇

مدیریت شهری

فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۰۶۴ پاییز ۱۴۰۰

Urban management
No.64 Autumn 2021

۱۲۹

حال به منظور آزمون فرضیه زیر از آزمون t تک نمونه‌ای بهره گرفته شد:

به نظر می‌رسد وضعیت کلانشهر اهواز در مجموع، به لحاظ ظرفیت نهادی تحقق شهر هوشمند مناسب نیست.

جدول ۷- آزمون t تست تک نمونه‌ای وضعیت مؤلفه‌های تکنوشهر در کلانشهر اهواز

متوسط مورد انتظار = ۳						
فاصله اطمینان ۹۵ درصد		سطح معناداری sig	t	تفاوت میانگین	میانگین	
حد بالا	حد پائین					
- ۰/۷۰۳۲	- ۰/۹۸۱۱	۰/۰۰۰	- ۱۲/۰۷۳	- ۰/۸۴۲۱	۲/۱۵۷۹	توانایی نهادی
- ۰/۹۲۳۵	- ۱/۲۲۷۲	۰/۰۰۰	- ۱۴/۰۸۳	- ۱/۰۷۵۶	۱/۹۳۴۳	حکروایی هوشمند
- ۰/۵۴۴۹	- ۰/۸۸۶۷	۰/۰۰۰	- ۸/۳۴۵	- ۰/۷۱۵۸	۲/۲۸۴۲	توان کنشگران سازمانی
- ۰/۵۲۷۶	- ۰/۸۰۵۷	۰/۰۰۰	- ۹/۵۵۰	- ۰/۶۶۶۷	۲/۳۳۳۳	فراعامل فناوری
- ۰/۷۵۹۹	- ۱/۳۳۲۲	۰/۰۰۰	- ۷/۲۸۳	- ۱/۰۴۶۰	۱/۹۳۳۹	عوامل نهادی بیرونی

همان‌گونه که در نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای مشاهده می‌گردد (جدول شماره ۷)، میانگین داده‌ها، به‌صورت معنی‌داری ($P < 0.5$) در همه‌ی مؤلفه‌های ۵ گانه، کمتر از مقدار میانگین متوسط مورد انتظار است؛ همچنین عدد منفی t و اعداد منفی حد پائین و بالا نیز این موضوع را تأیید می‌نمایند. t منفی نشان می‌دهد که t به دست آمده از آزمون کمتر از t محاسبه شده از جدول می‌باشد. از آنجا که حد پائین و حد بالا برای این متغیر منفی می‌باشد. این به مفهوم کوچک‌تر بودن میانگین متغیر از متوسط مورد انتظار است؛ و همه‌ی این موارد، بدان معنی می‌باشد که از دیدگاه کارشناسان، همه‌ی مؤلفه‌های پنج‌گانه ظرفیت نهادی در شرایط کنونی کلانشهر اهواز به لحاظ استقرار شهر هوشمند در این کلانشهر مناسب نیست.

■ به نظر می‌رسد وضعیت معیارهای ظرفیت نهادی تحقق شهر هوشمند در شرایط کنونی کلانشهر اهواز، متفاوت است.

به منظور رتبه‌بندی و سنجش معنی‌داری رتبه‌بندی‌ها در ارتباط با مؤلفه‌ها و در این ارتباط شاخص‌های شهر هوشمند، از آزمون رتبه‌بندی فریدمن استفاده گردید. طبق جدول زیر، بر طبق این آزمون، به ترتیب فراعامل فناوری، توان کنشگران سازمانی، توانایی نهادی، حکمروایی هوشمند و نهادهای پیرامونی قرار دارند.

جدول ۸- رتبه‌بندی مؤلفه‌ها و شاخص‌های ظرفیت نهادی تحقق شهر هوشمند بر اساس آزمون رتبه‌بندی فریدمن

رتبه معیار	میانگین شاخص	کد	مؤلفه‌ها	رتبه معیار	رتبه میانگین	کد	مؤلفه‌ها
۱۰	۱۹/۷۳	Q_{18}	۱۶/۲۷	۶	۸۶/۲۲	Q_1	توانایی نهادی ۴۹/۱۹ رتبه: ۳
۱۶	۱۶/۵۳	Q_{19}	رتبه: ۴	۲	۲۳/۸۲	Q_2	
۱۷	۱۶/۴۵	Q_{20}	توان کنشگران سازمانی ۵۰/۲۰	۷	۲۲/۲۲	Q_3	
۳	۲۳/۷۲	Q_{21}		۴	۲۳/۶۷	Q_4	
۵	۲۳/۱۳	Q_{22}	رتبه: ۲	۱۳	۱۷/۷۲	Q_5	
۱۲	۱۷/۸	Q_{23}		۱۵	۱۷	Q_6	
۲۳	۱۴/۶۶	Q_{24}	فراعامل ICT ۲۲/۱۵	۹	۲۰/۱۵	Q_7	
۱۴	۱۷/۴۱	Q_{25}		۸	۲۱/۹۶	Q_8	
۱۸	۱۶/۴۳	Q_{26}		۲۴	۱۴/۰۱	Q_9	
۱	۲۶/۲۵	Q_{27}	رتبه: ۱	۲۸	۱۲/۳۲	Q_{10}	
۲۵	۱۳/۸۵	Q_{28}		نهادهای پیرامونی ۵۱/۱۳	۲۷	۵۵/۱۲	
۲۶	۳۰/۱۳	Q_{29}	رتبه: ۵		۱۹	۱۶/۴۲	
				۱۱	۱۸/۰۱	Q_{13}	
				۲۰	۱۶/۰۵	Q_{14}	
رتبه میانگین کل: ۱۸/۲۸				۲۱	۱۵/۴۶	Q_{15}	
				۲۲	۱۴/۷۲	Q_{16}	
				۲۹	۱۱/۵۷	Q_{17}	
				حکمروایی هوشمند			

جدول زیر نشان می‌دهد که سطح معناداری sig کوچک‌تر از ۰/۰۵ بوده لذا رتبه‌بندی فوق‌الذکر معنادار بوده و بنابراین فرضیه دوم پژوهش تأیید می‌گردد، یعنی وضعیت مؤلفه‌های ظرفیت نهادی تحقق شهر هوشمند در کلانشهر اهواز، در یک سطح نمی‌باشند. همان‌گونه که مشاهده می‌گردد، شاخص‌های دسترسی به اینترنت و منابع از مؤلفه توانایی نهادی و سپس توان دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها از مؤلفه توان نهادهای سازمانی، دارای وضعیت بهتر و شفافیت

در مدیریت از مؤلفه حکمروایی هوشمند و بهره‌گیری از توانایی‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات در کاهش آلودگی‌های محیطی از مؤلفه توانایی نهادی در مقایسه با سایر معیارهای ظرفیت نهادی تحقق شهر هوشمند دارای نازل‌ترین وضعیت در کلانشهر اهواز می‌باشد.

جدول ۹-آزمون رتبه‌بندی فریدمن

معیارها	مؤلفه‌ها و مؤلفه‌ها در مجموع	N
۳۸۰	۳۸۰	N
۳۷۳/۶۷۰	۶۶/۸۲۳	Chi-Square
۲۸	۵	df
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	Symp.Sig

بحث

با توجه به یافته‌های ارائه شده، ضعف مفرط در حکمروایی هوشمند در درون شهر و نیز عدم اراده قاطع دولت و نهادهای منصوب به نفت در جهت تبدیل اهواز به شهری هوشمند، از جمله مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش می‌باشد که قابل بحث است. زیرا مطابق یافته‌ها، نه اراده‌ای قاطع نزد دولت و نهادهای نفتی و نه بستر لازم حکمروایی هوشمند در جهت هدایت، تسهیل و تسریع تحقق شهر هوشمند در کلانشهر اهواز وجود دارد.

این در حالی است که در کشور ایران که نظام مدیریت سیاسی-فضایی آن با بهره‌گیری از درآمدهای نفتی از الگوی بسیط متمرکز تبعیت می‌کند و به تبع آن، دولت دارای اختیارات فراوانی در وضع قوانین، تنظیم بودجه، ممیزی عملکردها و غیره می‌باشد به طوری که نقش سازمان‌های محلی در سطح شهری در مقام مقایسه با آن ناچیز جلوه می‌نماید، نقش دولت در مفهوم کلان آن و در این چارچوب نهادهای دولتی نفتی در کلانشهر نفت‌خیز اهواز بسیار حیاتی خواهد بود.

همچنین در درون شهر نیز مشارکت در تصمیم‌گیری و به‌ویژه شفافیت در مدیریت در قالب حکمروایی هوشمند، در سطوح بسیار پائینی قرار دارند. به عبارتی در چارچوب تحلیلی نظریه «تام» و «پاردو»، مجموعه مدیریت شهری کلانشهر اهواز نتوانسته است که زمینه‌های همکاری، مشارکت و درگیر بودن شهروندان و شراکت آن‌ها را به منظور تحقق شهر هوشمند جلب نماید؛ و همچنین در چارچوب چنین وضعی است که علیرغم وضعیت به نسبت مناسب‌تر فراعامل فناوری، توان کنشگران سازمانی و نیز توانایی نهادی موجود

در کلانشهر اهواز- البته نسبت به دو مؤلفه حکمروایی هوشمند و نهادهای پیرامونی- کلانشهر اهواز نتوانسته است از این قابلیت‌ها (دسترسی به اینترنت، منابع، توان دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها، مدیریت یادگیری در نهادها، توان شرکت‌های دانش‌بنیان و استارت‌آپ‌ها، سرمایه انسانی، مدیریت دانش و غیره) در جهت حل آلودگی‌های محیطی، حفاظت محیط زیست، تعدیل شرایط محیطی (درجه حرارت بالا)، کارآفرینی و مدیریت منابع به صورت بهینه بهره‌گیری نماید (جدول شماره ۹). این در حالی است که - بر اساس بررسی‌های اسنادی- بنا بر دو پژوهش مهم ملی آینده‌پژوهشی ایران (۱۳۹۷) و گزارش مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری (۱۳۹۶)، آلودگی‌های محیطی، عدم مدیریت منابع پایدار، فقر و بیکاری به‌عنوان چالش‌های اساسی و ابر چالش یاد شده است.

در چنین شرایطی، نظام برنامه‌ریزی شهری در کلانشهر اهواز نتوانسته است که همگام با تحولات ناشی از تغییرات سریع فناوری و اطلاعات حرکت نماید (جدول شماره ۹).

نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف سنجش وضعیت ظرفیت نهادی تحقق شهر هوشمند و نیز رتبه‌بندی مؤلفه‌ها و معیارهای آن، با توجه به شرایط کنونی کلانشهر اهواز انجام یافت. نتایج تحقیق حاکی از آن است که وضعیت ظرفیت نهادی تحقق شهر هوشمند کلانشهر اهواز نامناسب می‌باشد. همچنین همگی مؤلفه‌های ظرفیت نهادی، در این کلانشهر در وضعیت نامناسب، اما متفاوت با یکدیگر است.

از میان مؤلفه‌های ۵ گانه ظرفیت نهادی تحقق شهر هوشمند در کلانشهر اهواز، مورد بررسی در این پژوهش، توانایی نهادی دارای موقعیت بهتری بوده و سپس به ترتیب مؤلفه‌های حکمروایی هوشمند، کنشگران سازمانی و در انتها نهادهای پیرامونی قرار دارند.

از میان معیارها نیز، دسترسی به اینترنت در موقعیت بهتری قرار دارد و بعد از آن به ترتیب، منابع، توان دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها، مدیریت یادگیری، توان شرکت‌های دانش‌بنیان و استارت‌آپ‌ها، سرمایه انسانی، مدیریت دانش، پذیرش فناوری، آمادگی الکترونیکی، فراهم بودن بستر قانونی، بهره‌گیری از ICT در تجارت، توان خدمات پیشرفته پشتیبان تولید، هماهنگی نظام برنامه‌ریزی شهری با تحولات ناشی از ICT، زیرساخت ICT، مدیریت یکپارچه، خدمات شهری، توان شهرداری، مدیریت ICT، بهره‌گیری از ICT در مدیریت

منابع پایدار، بهره‌گیری از ICT در کارآفرینی، جذب استعدادها و نوآوری‌ها در تجارت الکترونیکی، مشارکت در تصمیم‌گیری، توان پارک‌های علم و فناوری، بهره‌گیری از ICT در تعدیل شرایط محیطی (درجه حرارت بالا)، اراده قاطع نهادهای نفتی، اراده قاطع دولت، بهره‌گیری از ICT در حفاظت محیط‌زیست، بهره‌گیری از ICT در جهت حل آلودگی‌های محیطی و در انتهای لیست شفافیت در مدیریت قرار گرفتند.

از دیگر نتایج تحقیق، در اثر ضعف مفرط در معیارهایی چون شفافیت در مدیریت و نیز مشارکت در تصمیم‌گیری و نیز در نبود اراده‌ای قاطع نزد دولت و نهادهای نفتی در کلانشهر نفت‌خیز اهواز؛ علیرغم وضعیت به نسبت مناسب‌تر فراعامل فناوری، توان کنشگران سازمانی و نیز توانایی نهادی موجود در کلانشهر اهواز- البته نسبت به دو مؤلفه حکمروایی هوشمند و نهادهای پیرامونی- کلانشهر اهواز نتوانسته است از این قابلیت‌ها (دسترسی به اینترنت، منابع، توان دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها، مدیریت یادگیری در نهادها، توان شرکت‌های دانش‌بنیان و استارت‌آپ‌ها، سرمایه انسانی، مدیریت دانش و غیره) در جهت حل آلودگی‌های محیطی، حفاظت محیط‌زیست، تعدیل شرایط محیطی (درجه حرارت بالا)، کارآفرینی و مدیریت منابع به‌صورت بهینه بهره‌گیری نماید (جدول شماره ۹).

راهکارهای پیشنهادی

راهکارهای پیشنهادی را می‌توان در دو چارچوب راهکارهای کلی و نیز در راستای مؤلفه‌های ظرفیت نهادی تحقق شهر هوشمند در کلانشهر اهواز پیشنهاد نمود.

راهکارهای کلی پیشنهادی

با توجه به یافته‌های این پژوهش و در چارچوب نظریه و دیدگاه‌های ارائه شده در بخش چارچوب نظری تحقیق، شامل: هادسون، استین، سگنستام و بانک جهانی، هلی، ایوانس و همکاران، گیبس و همکاران، هنری و پینچ، براون، ساویتچ، کمیسیون اروپا، ویلیامز و بومرث و کاظمیان و همکاران و نیز نظریه‌های شهرهای هوشمند سامویلا و همکاران، نام و پارادو، آلبرت، مایهر و اسموکوینا، کومینینوس، دامری، چورابی و همکاران و همچنین با توجه به سه نوع دیدگاه دانشگاه‌ها، بخش خصوصی و دولتی نسبت به نهادها در شهرهای هوشمند، می‌توان راهکارهای کلی زیر را در راستای تحقق شهر هوشمند در کلانشهر اهواز پیشنهاد نمود:

۱) شهر هوشمند از عواملی همچون مدیریت و سازمان،

فناوری، حکمروایی، سیاست، مردم و جوامع، اقتصاد، زیرساخت‌ها و محیط طبیعی و نیز شرایط پیرامونی تشکیل یافته است که پیشنهاد می‌گردد، ضمن فراهم نمودن یک مدیریت یکپارچه در کلانشهر اهواز و با در نظر گرفتن ذینفعان و کنشگران متعدد دخیل در این فرآیند؛ درنهایت، با ارتقای سطح ظرفیت نهادی، زمینه تعامل و ارتباطات مناسب این ذینفعان و کنشگران را به هدف دستیابی به محیطی نوآور و خلاق که از سرمایه‌های فکری، اجتماعی و هوش جمعی نهادها و زیرساخت‌های مادی خود برای مقابله با طیف وسیعی از مشکلات و چالش‌هایش بهره‌گیری مناسب می‌نماید، فراهم آورد. در این بین توجه به نهادها و مؤسسات تولید دانش و نیز گسترش تعاملات عوامل فناوری با نهادهای سیاسی و سازمانی و نیز مکانیسم‌های حل مشکلات و توافق بر چگونگی مدیریت زیرساخت‌ها هم جهت تحقق شهر هوشمند در کلانشهر اهواز، اهمیت ویژه دارد. ۲) استقرار حکمروایی خوب و هوشمند شهری در کلانشهر اهواز مبتنی بر فرآیندهای ترکیبی مدیریت بالا به پایین و پایین به بالا و تلاش در جهت همراه نمودن اراده قاطع دولت و نهادهای نفتی به منظور تحقق شهر هوشمند در کلانشهر اهواز و تخصیص منابع لازم، جهت تحقق شهر هوشمند، پیشنهاد می‌گردد.

راهکارهای پیشنهادی در راستای مؤلفه‌های ظرفیت نهادی در جهت تحقق شهر هوشمند

الف- مؤلفه توانایی نهادی در جهت تحقق شهر هوشمند

با توجه به یافته‌های پژوهش، ضمن این که قطعاً نیاز به ارتقای سرمایه انسانی، منابع، مدیریت دانش، مدیریت یادگیری و همچنین هماهنگی بیش از پیش نظام برنامه‌ریزی شهری کلانشهر اهواز با تحولات ناشی از تغییرات سریع فناوری اطلاعات و ارتباطات است؛ اما می‌بایست اهتمام و توجه بیشتری در راستای استفاده بهینه از توان موجود فناوری اطلاعات و ارتباطات در این شهر به منظور حل چالش‌های اساسی این شهر نمود. لذا پیشنهاد می‌گردد از توان موجود فناوری اطلاعات و ارتباطات، در تعدیل شرایط محیطی (درجه حرارت بالا)، آلودگی هوا، حفاظت محیط‌زیست، مدیریت منابع پایدار، کارآفرینی و نیز جذب بیشتر استعدادها و نوآوری‌ها، جهت تحقق شهر هوشمند، نمود.

ب- مؤلفه حکمروایی هوشمند در جهت تحقق شهر هوشمند

بر اساس یافته‌های این پژوهش، شفافیت در

ضمن تقویت دو معیار دیگر، معیار مدیریت فناوری اطلاعات و ارتباطات ارتقاء یابد. در این بین تعیین نسبت آن با مدیریت یکپارچه و نیز تعیین تنش مابین کنشگران متعدد در کلانشهر اهواز، در جهت تحقق شهر هوشمند، نقش اساسی دارد.

ث- مؤلفه عوامل نهادی پیرامونی جهت تحقق شهر هوشمند

بر مبنای یافته‌های این پژوهش، نهاد دولت و نیز نهادهای فاقد اراده قاطع در راستای تبدیل اهواز به شهری هوشمند می‌باشند. لذا پیشنهاد می‌گردد، دولت می‌بایست در تمام جوانب از تحقق شهر هوشمند در کلانشهر اهواز حمایت نماید. این در صورتی تحقق می‌یابد که دولت به درکی عمیق از مشکلات این کلانشهر و ضرورت تبدیل این شهر به شهری هوشمند دست یابد.

مدیریت پایین‌ترین رتبه را به دست آورد. لذا پیشنهاد می‌گردد شفافیت در مدیریت کلانشهر اهواز، جهت تحقق شهر هوشمند، ارتقا یابد.

مشارکت در تصمیم‌گیری نیز، بر اساس یافته‌های پژوهش رتبه پائینی را به دست آورده است. لذا پیشنهاد می‌گردد مشارکت در تصمیم‌گیری توسط همه ذینفعان و کنشگران تحقق شهر هوشمند در کلانشهر اهواز، جهت تحقق شهر هوشمند، افزایش یابد.

گرچه بستر قانونی بر مبنای یافته‌های این پژوهش در رتبه دهم در میان ۲۹ معیار دارد؛ اما پیشنهاد می‌گردد که بستر قانونی، جهت تحقق شهر هوشمند، تقویت گردد.

پیشنهاد می‌گردد خدمات شهری با کیفیت بیشتر و با بهره‌گیری بیشتر از فناوری اطلاعات و ارتباطات ارایه گردد. در این صورت با افزایش راندمان، قیمت تمام شده کاهش یافته و لذا ضمن افزایش پوشش شهری، عدالت فضایی بیشتر رعایت خواهد گردید.

پ- مؤلفه توان کنشگران سازمانی در جهت تحقق شهر هوشمند

از میان ۵ بازیگر اساسی درون‌شهری شهرداری، دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها، شرکت‌های دانش‌بنیان و استارت‌آپ، خدمات پیشرفته پشتیبان تولید و پارک‌های علمی و فناوری؛ بر اساس یافته‌های این پژوهش وضعیت پارک‌های علم و فناوری و سپس شهرداری نامناسب‌تر می‌باشد، لذا پیشنهاد می‌گردد، توان این دو، به‌ویژه شهرداری به سبب نقش مستقیمش در اداره شهر ارتقاء یابد. این ارتقاء می‌تواند در معیارهایی چون: سرمایه انسانی، منابع، مدیریت دانش، مدیریت یادگیری، نظام برنامه‌ریزی شهری و اجرا و نظارت، آمادگی الکترونیکی، پذیرش فناوری و نیز بهره‌برداری بیشتر از قابلیت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات برای حل معضلات این شهر در راستای تحقق شهر هوشمند انجام پذیرد.

ت- مؤلفه فرامعامل فناوری اطلاعات و ارتباطات در جهت تحقق شهر هوشمند

با توجه به یافته‌های پژوهش مدیریت فناوری اطلاعات و ارتباطات در مقایسه با زیرساخت‌های آن و به‌ویژه نسبت به دسترسی به اینترنت در وضعیت نامناسب‌تری قرار دارد. لذا پیشنهاد می‌گردد،

منابع

۱. اخوان، آفرین؛ دهقان خاوری، سعید؛ لطفی، نسترن (۱۳۹۸)، تأثیر شهر هوشمند و پایدار بر کیفیت زندگی در شهر یزد، نشریه علمی- پژوهشی مدیریت شهری و روستایی، شماره ۵۷، صص ۴۰-۲۹
۲. اسفندیاری، محسن؛ موسی خانی، مرتضی (۱۴۰۰)، تدوین مدل بومی و پارادیمی مدیریت دانش رصد اطلاعات شهری در شهرهای هوشمند، فصلنامه علمی اقتصاد و مدیریت شهری، شماره ۹(۲۳) (پیاپی ۳۴)، بهار ۱۴۰۰، صص ۱۱۷-۱۰۱
۳. جبارزاده، یونس؛ شکری، سوره؛ کرمی، اژدر (۱۳۹۹)، شناسایی و تحلیل موانع نهادی شهر هوشمند (مورد مطالعه: شهر تبریز)، فصلنامه علمی اقتصاد و مدیریت شهری، شماره ۸(۳) (پیاپی ۳۱)، تابستان ۱۳۹۹، صص ۱۰۷-۹۱
۴. حاتمی‌نژاد، حسین، مسلم ضرغام فرد، امیرحسین خادمی و سید محمد میرسیدی (۱۳۹۴)، سیاست فضایی در برنامه‌ریزی شهری، مشهد، انتشارات پاپلی دامری، رناتاپائولا (۱۳۹۷)، پیاده‌سازی شهر هوشمند؛ ایجاد ارزش اقتصادی و عمومی در سیستم‌های نوآورانه شهری، ترجمه حسین حاتمی‌نژاد و همکاران، مشهد، انتشارات پاپلی- انتشارات امید
۵. رفیعی، نسترن و همکاران (۱۳۹۶)، مساله شناسی راهبردی توسعه در استان خوزستان، تهران، انتشارات مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری
۶. روستایی، شهریور، محمدرضا پورمحمدی و حکیمه قنبری (۱۳۹۷)، تئوری شهر هوشمند و ارزیابی مؤلفه‌های زیرساختی آن در مدیریت شهری موردشناسی: شهرداری تبریز، فصلنامه علمی- پژوهشی جغرافیا و آمایش شهری- منطقه‌ای، شماره ۲۶، بهار ۱۳۹۷، صص ۲۱۶-۱۹۷
۷. شورچه، محمود (۱۳۹۳)، برنامه‌ریزی شهری در قرن ۲۱ (برنامه‌ریزی شهری پیشرفته)، تهران، انتشارات پرهام نقش فرجود، محمد؛ خدادحسینی، سید حمید؛ کردنائیج، اسدالله؛ مهدی اسلامی، سید مهدی (۱۳۹۹)، فراترکیب مدل‌های

- on,IEEE,PP.2289-2297
24. Dawes,S,Pardo,A. (2002).building collaboratve digital government systems.in advances in digital government:technology,human factors, and policy,eds,W.J.MCIVER and A.K. Elmagamid,Norwell,110-138,Boston,MA:KLUWER Academic Publishers
 25. Durkheim,E. (1982).The rules of Sociological Method and selected texts on Sociology and its method,- Free Press
 26. European Commission. (2005). Institutional assessment and capacity development:why,what and how?,Europe Aid
 27. Evans,B.,Markov,J.,Sundback,S.,Theobald,K. (2005). Governing sustainable cities,Earthscan,London
 28. Gibbs,C.,Jonas,A.,Suzanne,R.,Spooner,D. (2001). Governance,institutional capacity and partnership in local economic development:theoretical issues and empirical evidence from the humber,Transactions of the Institute of British Geographers,New Series,Vol.26,No.1
 29. Giffinger,R. (2007). Smart cities:ranking of European medium-sized cities,Vienna:Centre of Regional Science
 30. Goldsmith,A.A. (1993).institutional development in national agriculture research:issues for impact assessment,Public Administration and Development,13
 31. Hajduk,S. (2016). The concept of the a smart city in urban management,Business,Management and Education,14(1),PP.34-49
 32. Healy,P. (1998).building institutional capacity through collaborative approaches to urban planning,Environment and Planning A.Vol.30
 33. Henry,N.,Pinch,S. (2001).Neo-Marshalism nodes,institutional thickness and Britain s motor sport valley:thick or thin?,Environmental and Planning A,Vol.33
 34. Hudson,R. (2004). Addressing the regional problem:changing perspective in geography and on regions,paper presented to the Conference of Irish Geographers,7-9 May,Maynooth
 35. Liugailite-Radzvickene,L.,Robertas,J. (2014). Going to be an intelligent city,Social and Behavioral Sciences,Vol.156,PP.116-120
 36. Mauher,M.,Smokvina,V. (2006).Digital to intelligent local government transition framework, In proceedings of the 29th International Convention of MIPRO
 37. Meyer,H.D.,Rowan,B. (2006).The New Institutionalism in Education,SUNY PRESS
 38. Odendaal,N. (2003).information and communication technology and local governance:understanding the difference between cities in developed and emerging economies,Computers,Environment and Urban Systems,6(27),PP.585-607
 39. Raven,R.,Sengers,F.,Speath,Ph,Cheshmehzangi,A.,Xie,L. (2017).an institutional perspective کسب و کار در شهر هوشمند، نشریه علمی- پژوهشی مدیریت شهری و روستایی، شماره ۶۱، زمستان ۱۳۹۹، صص ۲۶-۷
 ۹. فرجی راد، خدر و غلامرضا کاظمیان (۱۳۹۱)، توسعه محلی و منطقه‌ای از منظر رویکرد نهادی، تهران، سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی
 ۱۰. کاظمیان، غلامرضا، خدر فرجی راد، عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری و مهدی پورطاهری (۱۳۹۱)، سنجش و تدوین راهبردهای مناسب ارتقای ظرفیت نهادی منطقه‌ای (نمونه موردی: شهرستان بوکان و ارومیه)، فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات شهری، شماره ۲، بهار ۱۳۹۱، صص ۳۹-۲۳
 ۱۱. گروه تحقیقاتی آینده بان (۱۳۹۷)، آینده‌پژوهی ایران ۱۳۹۷، تهران، انتشارات گروه تحقیقاتی آینده بان
 ۱۲. محکی، علی‌اصغر (۱۳۹۶)، حکمروایی نوین شهری؛ رویکردها، مفاهیم، مسائل و چالش‌ها، تهران، انتشارات تپسا
 ۱۳. مولایی، محمد مهدی، گلاره شاه‌حسینی و سمانه دباغچی (۱۳۹۵)، تبیین و واکاوی چگونگی هوشمندسازی شهرها در بستر مؤلفه‌ها و عوامل کلیدی اثرگذار، دو فصلنامه علمی-پژوهشی نقش‌جهان- مطالعات نظری و فناوری‌های نوین معماری و شهرسازی، شماره ۳-۶، پاییز ۱۳۹۵، صص ۹۳-۷۵
 ۱۴. مهرعلی تبار فیروزجایی، مرتضی (۱۳۹۸)، آینده پیش رو: کلان روند گسترش شهرنشینی و شهرهای آینده، انتشارات مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری سازمان برنامه‌وبودجه کشور
 ۱۵. نورث، داگلاس سی (۱۳۸۵)، نهادها: تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی، ترجمه محمدرضا معینی، تهران، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور
 ۱۶. واحد تحقیق و توسعه سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری اصفهان (۱۳۹۶)، شهر پایدار هوشمند، تهران، انتشارات جنگل، جاودانه
 ۱۷. هادی بیگللو، حسین؛ سرور، رحیم؛ نوری، علی (۱۳۹۷)، تبیین تحقق‌پذیری حکمروایی خوب شهری با تأکید بر هوشمندسازی مکان؛ مورد کاوی شهر تهران، نشریه علمی- پژوهشی مدیریت شهری و روستایی، دوره ۱۷، شماره ۵۲، پاییز ۱۳۹۷، صص ۲۰۴-۱۸۹
 18. Albert,S. (2006).smarten up:a guide to creating a smart community,Trafford Publishing
 19. Bhagya Nathahi Silva,M.K.,Kijum.H. (2018). Towards sustainable smart cities: a review of trends, architectures,components, and open challenges in smart cities,Sustainable Cities and Society,38,PP.697-713
 20. Broccardo,L.,Culasso,F.,Giovanna, Mauro,S. (2019). Smart city governance:exploring the institutional work of multiple actors towards collaboration,International Journal of Public Sector Management,Vol.32,Issue.4,PP.367-387
 21. Brown,R. (2008).local institutional development and organizational change for advancing sustainable urban water futures,Environmental,Management,41
 22. Caragliu,A.,De Bo,C.,Nijkamp,P. (2009).smart city in Europe,3rd Central European Conference in Regional Science
 23. Chourabi,H et al. (2012). Understanding smart cities:an integrative framework,In System Science (HICSS),2012,45th Hawaii International Conference

- City; Creating Economic and Public Value in Innovative Urban Systems, translated by Hossein Hataminejad et al., Mashhad, Papli Publications - Omid Publications
4. Esfandiari, M., Musa Khani, M. (1400). Development of Indigenous and Paradigm Model of Knowledge Management of Urban Information Monitoring in Smart Cities, *Journal of Economics and Urban Management*, No.9 (2 (consecutive 34)), Spring 1400, pp. 117-101
 5. Faraji Rad, Kh.,Kazemian,Gh. (2012), Local and regional development from the perspective of institutional approach, Nehran, University Jihad Publishing Organization
 6. Farjud, Mohammad; Khodad Hosseini, Seyed Hamid; Kurdish, Assadollah; Mehdi Eslami, Seyed Mehdi (2021), The Hybridization of Business Models in the Smart City, *International Journal of Urban and Rural Management*, No. 61, pp. 7-26
 7. Hadi Biglou,H.,Soror,R.,Nouri,A. (2018). Explanation of good governance of good urban governance with emphasis on location smart growth,case study:city of Tehran,*International Journal of Urban and Rural Management*,Vol.17,No.51,PP.189-204
 8. Hatami Nejad,H.,Muslim Zarghamfard,A.H Khademi and S.M. (2015), *Spatial Policy in Urban Planning*, Mashhad, Papli Publications
 9. Jabarzadeh,Y.,Shukri,S.,Karami,A. (2016), Identification and Analysis of Institutional Barriers to Smart City (Case Study: Tabriz), *Journal of Economics and Urban Management*, No. 8 (3 (31 consecutive)), Summer 2016, pp. 107-91
 10. Kazemian, Gh.,Faraji Rad,Kh., Rokanuddin Eftekhari,A.,Portaheri,M. (2012), Assessing and formulating appropriate strategies for improving regional institutional capacity (Case study: Buchan and Urmia), *Quarterly Journal of Urban Studies*, Issue 2, Spring 2012, Pp. 39-23
 11. Mehr Ali Tabar Firoozjaei, M. (2019). The Future Ahead: The Macro Trend of Urban Development and Future Cities, Publications of the Research and Development Research Center of the Planning and Budget Organization
 12. Mohaki, A.A. (2017), *New Urban Governance; Approaches, Concepts, Issues and Challenges*, Tehran, Tisa Publications
 13. Molaei, M.M, Hosseini,Sh., Dabbaghchi,S. (2016), Explaining and analyzing how cities are smart in the context of key components and effective factors, *Naghsh Jahan Quarterly - Theoretical Studies and New Technologies in Architecture and Urban Planning*, No. 3-6, Fall 2016, pp. 93-75
 14. North, Douglas C. (2006), *Institutions; Institutional Changes and Economic Performance*, translated by Mohammad Reza Moeini, Tehran, Management and Planning Organization
 15. Rafiei, Nastaran et al. (2017), *Strategic Development Problems in Khuzestan Province*, Tehran, Presidential smart city experimentation:comparing Ningbo,Humburg and Amsterdam,Presentation for the Ecocity World Summit,12-16 July 2017,Melborne
 40. Raven,R.,Sengers,F.,Speath,Ph.Xie,L.,Cheshmehzangi,A.,de Jong,M. (2019). Urban experimentation and institutional arrangements,*European Planning Studies*,Vol.27,No.2,PP.258-281
 41. Samouylov,K.,Popov,E.,Semyachkov,K. (2019).Institutional Support of a smart city Montengrin *Journal of Economics*,Vol.15,No.4,PP.87-98
 42. Savitch,H.V. (1998).global challenge and institutional capacity:or,how we can refit local administration for the next century,*Administration & Society*,30,3,ABI/INFORM Global
 43. Scott,W.R. (2008).*Institutional and organizations idea,interests and identities (4th .ed)*,Los Angeles:Sage
 44. Segneštam,P.,World Bank. (2003). Country environment analysis,a review of international experience,*Environment Dept,World Bank*
 45. Steen,K.,Van Bueren,E. (2017).urban living labs: a living lab way of working,4th ed,Amsterdam Institute for advanced metropolitan solutions:Amsterdam,The Netherlands
 46. Stein,H. (2008). *Beyond the World Bank agenda: on institutional approach to development*,the University of Chicago Press,Ltd,London
 47. Taewoo,N.,Pardo,T.A. (2011).conceptualizing smart city: with dimensions of technology,people and institutions, in *Proceedings of the 12th Annual Digital Government Research Conference*,College Park,Maryland,June 12-15
 48. UN-Habitat. (2015). *International guidelines on urban and territorial planning*,United Nations Human Settlements Programme
 49. UN-Habitat. (2019). *Country activities report*, United Nations Human Settlements Programme
 50. Van Winden,W.,Oskam,I.,Van Den Buuse,D.,Schrama,W.,Van Digck,E. (2016). *Organising smart city projects:lessons from Amsterdam*,Amsterdam:Hogeschool Van Amsterdam
 51. Wiesmeth,H.,Fiala,O,Stegareva,E.,Hachl,D.,Weinhold,I. (2018).Smart nstitutions for smart cities,*International Conference on Sustainable Cities,IOP Conf,Series:Earth an Environmental Science* 17(2018)012003
 52. Willems,S.,Baumerk,K. (2003).institutional capacity and climate actions,OECD

In Persian

1. Akhavan,A.,Dehghan Khavari,S.,Lotfi,N. (2020).impact of smart and sustainable city on quality of life in Yazd city, *International Journal of Urban and Rural Management*, No.57,PP.29-40
2. Ayandehban Research Group (2018), *Iran Futurology 1397*, Tehran, Ayandehban Research Group Publications
3. Damri, Renata Paula (2018), *Implementing Smart*

- tial Center for Strategic Studies Publications
16. Research and Development Unit of Isfahan Municipality Information and Communication Technology Organization (2017), Sustainable Smart City, Tehran, Jangal Publications, Javadaneh
 17. Roustaei, Sh., Pourmohammadi, M.R., Ghanbari, H. (2018). Smart City Theory and Evaluation of Its Infrastructure Components in Urban Management Case Study: Tabriz Municipality, Quarterly Journal of Geography and Urban-Regional Planning, No. 26, Spring 2016, pp. 216-197
 18. Shorcheh, M. (2014). Urban Planning in the 21st Century (Advanced Urban Planning), Tehran, Parham Naghsh Publications



مدیریت شهری

فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۴. پاییز ۱۴۰۰

Urban management
No.64 Autumn 2021

■ ۱۳۶ ■